

هو العالم

مرکز آموزشهای غیر حضوری حوزه علمیه خاوران

عنوان تحقیق:

سنجش تطبیقی تفسیر اهل بیت (علیهم السلام) و صحابه

نام و نام خانوادگی محقق:

زهرا ولی زاده آیلا

کد طلبگی محقق:

۹۱۱۳۱۱۰۳۹۲

سطح و گرایش تحصیلی:

سطح سه (تفسیر و علوم قرآنی)

عنوان درس

کارورزی ۲

نام استاد مربوطه:

استاد سید جواد میر جلیلی

نیمسال دوم: ۹۴-۱۳۹۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده:

قرآن کلام الهی و آخرین کتاب هدایت بشر است. این کتاب شریف دارای زبان خاصی بوده و هرچند معنای سطحی از آن برای درک و فهم عموم ممکن و میسر است، اما با توجه به اینکه واژگان و آیات قرآن دارای مفاهیم عمیق و باطنی‌اند به همین دلیل برای فهم آن احتیاج به تفسیر می‌باشد.

مسلمانان برای فهم قرآن به سراغ تفسیر کلام الهی به روشهای گوناگونی رفتند و کسانی را در این طریق الگوی خویش قرار دادند؛ از جمله اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و صحابه ایشان را.

اهل بیت نقش بسیار مهم و سرنوشت‌سازی در تفسیر قرآن و هدایت مفسران به سمت انتخاب شیوه‌ی درست تفسیری دارند. میراث تفسیری به جا مانده از آن بزرگواران در امروزه به عنوان یکی از منابع مهم تفسیر قرآن کریم به شمار می‌رود.

تفسیر صحابه از نظر آشنایی آن‌ها به فقه اللغة زبان قرآن و نزدیک بودن به موقعیت‌ها و شرایط نزول وحی و مصاحبت با پیامبر صلی الله علیه و آله حایز اهمیت است.

علاو بر این تفسیر صحابه از جعل و وضع مصون نبوده است. از این رو باید به دقت مورد بررسی قرار داد و احادیث جعلی و اسرائیلی را از آن زدود.

ضرورت و اهمیت بررسی تطبیقی تفسیر اهل بیت و صحابه این است که آشنایی با تفسیر اهل بیت و صحابه می‌تواند مفسران را به سمت انتخاب شیوه‌ی تفسیری درست، هدایت کند.

این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای انجام گرفته است و با مراجعه به کتابخانه‌ها و پایگاه‌های اینترنتی مطالب گردآوری شده است.

با بررسی و سنجش تطبیقی تفسیر اهل بیت (علیهم السلام) با صحابه به این نتیجه رسیدیم که در تفسیر صحابه کاستیها و نارسایی‌هایی وجود دارد و ایشان دچار انحرافات گردیده‌اند. اما تفسیر اهل بیت جامع و کامل و بهترین نمونه تفسیری می‌باشد.

در این مقاله به بررسی ویژگی و تفاوت‌های تفسیری اهل بیت و صحابه با نگاه تطبیقی پرداختیم.

کلید واژه: تفسیر، اهل بیت، صحابه

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
۱. مقدمه	۱.
۲. مفهوم شناسی واژه ها:	۲.
۴. تفسیر قرآن کریم در عصر صحابه	۴.
۴. مشخصات تفسیر در عهد صحابه	۴.
۵. ارزش و اعتبار تفسیر صحابه	۵.
۶. ویژگی های تفسیر در عصر صحابه	۶.
۸. اسرائیلیات در تفسیر صحابه	۸.
۱-۱. عناصر اصلی نقل اسرائیلیات و اهداف آن ها	۸.
۲-۱. نسبت اسرائیلیات به صحابه از جعل تا واقعیت	۱۰.
۱۱. اشعار و ادبیات جاهلیت عرب در تفسیر صحابه	۱۱.
۱۲. میزان بهره گیری اخبار اهل کتاب در تفسیر صحابه	۱۲.
۱۲. تفسیر اهل بیت	۱۲.
۱۳. ویژگی های تفسیر اهل بیت (علیهم السلام)	۱۳.
۱۳. تفسیر قرآن به قرآن	۱۳.
۱۴. بهره گیری از سیاق در تفسیر اهل بیت (علیهم السلام)	۱۴.
۱۵. حضور تاریخ، در تفسیر اهل بیت	۱۵.
۱۵. نقش سبب نزول؛ در تفسیر اهل بیت	۱۵.
۱۷. بیان معانی واژگان با استفاده از واژگان مترادف در تفسیر اهل بیت	۱۷.
۱۷. تفسیر قرآن با استفاده بر قاعده ادبی	۱۷.
۱۹. نتیجه گیری:	۱۹.
۲۰. فهرست منابع و مأخذ:	۲۰.

قرآن کریم به زبان بشری سخن می گوید و می توان با دانش و شرایط مورد نیاز تا حدی آن را فهمید، اما به سبب دارا بودن برخی ویژگی ها مانند داشتن باطن، گستردگی معارف نیازمند درنگ و تدبر بیش تر و تفسیر است.

مسلمانان برای فهم قرآن به سراغ تفسیر کلام الهی به روشهای گوناگونی رفتند و کسانی را در این طریق الگوی خویش قرار دادند؛ اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و صحابه ایشان از جمله کسانی بودند که بعد پیامبر به تفسیر قرآن پرداختند. تفاوت های بین تفسیر اهل بیت و صحابه وجود دارد که آگاهی نسبت به آنها می تواند مفسران را به سوی تفسیر کامل و جامع هدایت کند.

بدون شک مدرسه ی اهل بیت در میدان تفسیر و تأویل و بیان معانی و مفاهیم قرآن، برجستگی خاصی نسبت به دیگر مدرسه ها دارد. این برجستگی به دلیل وابستگی آنان به پیامبر و در اتصال آموزه های این خاندان به وحی می باشد. و نیز به دلیل گستردگی و عمق معانی بی بدیل و نکته یابی های فراوان و برگزیدن بهترین روش برای رسیدن به پیام و حقیقت قرآن است.

در این میان تفسیر صحابه از نظر آشنایی آن ها به فقه اللغة زبان قرآن و نزدیک بودن به موقعیت ها و شرایط نزول وحی و مصاحبت با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) حایز اهمیت است. اما تفسیر صحابه از جعل و وضع مصون نبوده است. از این رو باید به دقت مورد بررسی قرار داد و احادیث جعلی و اسرائیلی را از آن زدود.

تحقیقاتی که در این زمینه نوشته شده که به بررسی مبانی، منابع و روشهای تفسیری اهل بیت علیهم السلام و صحابه و تابعین بعلاوه روشهای منهی عنه آنان و همچنین انحرافات و کج رویهای صحابه و تابعین و بیان گستره علمی ایشان پرداخته است.

هدف ما در این مقاله روشن کردن تفاوت تفسیری اهل بیت و صحابه با نگاه تطبیقی می باشد به همین دلیل در آغاز بحث بعد از تعریف اصطلاحات به ویژگی های تفسیری اهل بیت و صحابه پرداخته سپس تطبیق تفسیر اهل بیت و صحابه را مورد بحث و بررسی قرار می دهیم.

امام در پاسخ فرمود: قرآن پیش از این که برای دیگران تفسیر شود، برای ما تفسیر شده است. پس ما حلال، حرام، ناسخ، منسوخ آن را میدانیم و میدانیم چه آیهای در چه شبی و درباره چه کسی نازل شده است^۱

اصبغ بن نباته گوید: وقتی امیر مؤمنان (علیه السلام) وارد کوفه شد، چهل صبح که بر مردمان نماز خواند، سوره مبارکه: «سبح اسم ربك الاعلی» را قرائت میکرد.

منافقان گفتند: فرزند ابوطالب، خواندن قرآن را نمیداند، که اگر میدانست، غیر از این سوره را میخواند!

این سخن به گوش آن حضرت رسید، پس گفت: وای بر آنان! من ناسخ را از منسوخ، محکم را از متشابه و فصل را از وصل و حروف را از معانی قرآن میشناسم. سوگند به خدا حرفی بر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل نشده است، جز این که میدانم درباره چه کسی، در چه روزی و در کجا، نازل شده است^۲

بیان معانی واژگان با استفاده از واژگان مترادف در تفسیر اهل بیت

امام رضا (علیه السلام) در معنای «لا فارضٌ و لا بکرٌ»^۳ فرمودند: یعنی «لا صغیرة و لا کبیرة»؛ نه کوچک و نه بزرگ.^۴

بن بن بشار گوید: از حضرت ابالحسن (علیه السلام) درباره آیه شریفه «و یهلك الحرث و النسل»^۵ پرسیدم. حضرت فرمودند: النسل: الذریة (خاندان) و الحرث: الزرع (زراعت).^۶

تفسیر قرآن با استفاده بر قاعده ادبی

مسعدة بن صدقه گوید: از امام صادق (علیه السلام) سوال شد: آیا امر به معروف و نهی از منکر بر تمام امت واجب است؟ فرمودند: نه، این امر به فرد توانا و عالم بر معروف و منکر واجب است، نه بر ضعیفی که هیچ هدایت نیافته است و نمی داند حق می گوید یا باطل. دلیل بر این مطلب آیه ای از کتاب خداست که می فرماید: «و لَتَكُنْ مِنْكُمْ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ

^۱. علی بن ابراهیم، قمی، تفسیر قمی، ج ۲، قم، دار الکتاب، ۱۳۶۷، ج ۱، ص: ۱۳۹

^۲. محمد بن مسعود، عبّاشی، رسولی، هاشم، التفسیر للعبّاشی، ج ۱، مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران، ج ۱، ص: ۱۴

^۳. بقره: ۶۸

^۴. محمد باقر، مجلسی، بحار الأنوار، اسلامیه، تهران، بی تا، ج ۱۰۰، ص: ۹۳

^۵. بقره: ۲۰۵

^۶. محمد بن یعقوب بن اسحاق، کلینی، الکافی، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۳۰

يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ^۱ این بیان خاص است، نه عام، چنان که خداوند می فرماید: «وَمِنْ قَوْمٍ مُّوسَىٰ أُمّهُ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»^۲ حضرت در این روایت، عدم وجوب امر به معروف و نهی از منکر بر همگان را با عنایت به قاعده نحوی مربوط به «من بعضه» بیان فرموده اند.^۳

مرحوم کلینی با سند صحیح از زرارہ نقل می کند که به امام باقر (علیه السلام) عرض کردم: از کجا فهمیدید مسح بر قسمتی از سر و پاها کفایت می کند؟ حضرت خندیدند و فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند و کتاب خدا نیز چنین نازل شده است؛ چون خداوند فرموده: «فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ»، فهمیدیم که باید کل صورت شسته شود. سپس فرمود: «وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ»، پس کلام را تغییر داد و فرمود: «وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ» از «بِرُءُوسِكُمْ» به دلیل وجود باء فهمیدیم مسح بر بخشی از سر کفایت می کند؛ همان طور که «أَيْدِيَكُمْ» را به «الْوَجْهَ» عطف نمود. سپس «رِجْلَيْنِ» را به «رَأْسَ» عطف کرد و فرمود: «وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ»^۴ و از این عطف فهمیدیم مسح بر بخشی از سر نیز کفایت می کند.^۵

بعد از بیان مشخصات و ویژگی های تفسیر اهل بیت (علیهم السلام) می توان گفت: تفسیر اهل بیت (علیهم السلام) تفسیری جامع و کامل می باشد و اهل بیت (علیهم السلام) در مقام تفسیر قرآن، به مفاهیم عرفی کلمات، قواعد دستور زبان عربی، سیاق، اسباب و فضای نزول وحی استناد می کرده و در تفسیر آیات دخالت می داده اند. برخلاف تفسیر صحابه که در تفسیر به گزارش های کوتاه بسنده می کردند و الزامی به تفصیل معانی در خویش نمی دیدند و قرآن را با زمینه های ادبی، فلسفی، کلامی، عرفانی، علمی و ... آمیخته نمی کردند و اگر چه گاه ضوابط ادبی را در تفسیر قرآن می بینیم ولی هنوز این دیدگاه شکل کامل به خود نگرفته بود.

^۱. بقره: ۱۰۴

^۲. اعراف: ۱۵۹

^۳. عروسی حویزی، ج ۴، ص: ۲۹

^۴. مائده: ۶

^۵. عروسی حویزی، ج ۴، ص: ۴۷۲

نتیجه گیری:

از مجموع مباحثی که در این نوشته ارائه شد، این نتایج را می‌توان به دست آورد:
با توجه به ویژگی‌های تفسیری اهل بیت و صحابه می‌توان گفت تفسیر اهل بیت از اعتبار بسیار بالایی برخوردار است و سخنان آنان همانند سخنان رسول خدا از منابع معتبر علم تفسیر به شمار می‌رود.
اهل بیت، نقش بسیار برجسته‌ای در گسترش علم تفسیر، داشته‌اند. تمام روش‌های صحیح تفسیری موجود به نحوی ریشه در تفاسیر اهل بیت و روایات آنها دارند و به طور قطع می‌توان گفت که منشأ علم تفسیر اهل بیت هستند.

اهل بیت به خاطر مقام عالی علمی‌شان، برای فهم آیات نیاز به شواهد و قراین نداشتند و این کار را بیشتر برای آموزش دادن به دیگران انجام می‌دادند.

تفسیر صحابه از نظر آشنایی آنها به فقه اللغة زبان قرآن و نزدیک بودن به موقعیت‌ها و شرایط نزول وحی و مصاحبت با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) حایز اهمیت است.

تفسیر صحابه از جعل و وضع مصون نبوده است. از این رو باید به دقت مورد بررسی قرار

داد و احادیث جعلی و اسرائیلی را از آن زدود.

صحابه در تفسیر به گزارش‌های کوتاه بسنده می‌کردند و الزامی به تفصیل معانی در خویش نمی‌دیدند و قرآن را با زمینه‌های ادبی، فلسفی، کلامی، عرفانی، علمی و ... آمیخته نمی‌کردند و اگرچه گاه ضوابط ادبی را در تفسیر قرآن می‌بینیم ولی هنوز این دیدگاه شکل کامل به خود نگرفته بود.

در دوره صحابه همه قرآن تفسیر نشده بلکه بخشی از آن که دارای پیچیدگی بوده مورد تفسیر قرار گرفته است.

بنابراین می‌توان گفت آشنایی با تفسیر اهل بیت و صحابه می‌تواند مفسران را به سمت انتخاب شیوه‌ی تفسیری درست، هدایت کند.

نتیجه‌ای که از مجموع این مباحث به دست می‌آید، این است که همان‌گونه که تا کنون علم تفسیر مرهون اهل بیت بوده، از این به بعد نیز چنین خواهد بود و در غیر این صورت تفسیر از مسیر اصلی خود منحرف خواهد شد. به امید روزی که مفسر بزرگ عصر و زمان ما از پرده‌ی غیبت بیرون بیاید تا همگان از وجود پر برکت او حضورا فیض ببرند.

فهرست منابع و مآخذ:

*قرآن کریم

- ۱- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، ج ۱، بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع-دار صادر، ۱۴۰۴ق. ابو الحسن، احمد بن فارس بن زكريا، معجم مقائيس اللغة، ج ۱، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۳۶۶ ش.
- ۲- بحرانی، هاشم، البرهان في تفسير القرآن، ج ۲، تهران، بنياد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
- ۳- جلالیان، حبيب الله، تاريخ تفسير قرآن کریم، ج ۱، اسوه، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- ۴- ذهبي، محمد حسين، التفسير و المفسرون، ج ۱، دار احياء التراث، بيروت، بی تا
- ۵- راغب اصفهانی، حسين بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ج ۱، بيروت-دمشق، دار القلم، بی تا
- ۶- شاکر، محمد کاظم، مبانی و روش های تفسیری، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
- ۷- شاهرودی، عبد الوهاب، ارغنون آسمانی، جستاری در قرآن، عرفان و تفاسیر عرفانی، رشت، کتاب مبین، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
- ۸- طباطبایی، محمد حسين، محمد باقر موسوی همدانی، ترجمه المیزان، ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
- ۹- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ترجمه محمدرضا ضمیری، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ ش.
- ۱۰- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ج ۱ و ۲، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق
- ۱۱- عیاشی، محمد بن مسعود، رسولي، هاشم، التفسير للعیاشی، ج ۱، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۷۹.
- ۱۲- فیومی، احمد بن محمد مقرئ، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۲، قم، منشورات دار الرضی، بی تا
- ۱۳- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۱، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
- ۱۴- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، قم، دار الکتب، ۱۳۶۷ ش.
- ۱۵- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ج ۱ و ۳، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲.
- ۱۶- مروتی، سهراب، پژوهشی پیرامون تاریخ تفسیر قرآن کریم، ج ۱، تهران، نشر رمز، ۱۳۸۱.

- ۱۷- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، ج ۱، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۶۰
- ۱۸- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری (سیری در سیره‌ی نبوی) ج ۱۶، قم، صدرا، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۹- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، اسلامیه، تهران، بی تا
- ۲۰- مهدوی راد، محمد علی، آفاق تفسیر، ج ۱، تهران، هستی نما، ۱۳۸۲ ش.
- ۲۱- نهج البلاغه - ترجمه محمد دشتی، مشهور، قم، ۱۳۷۹